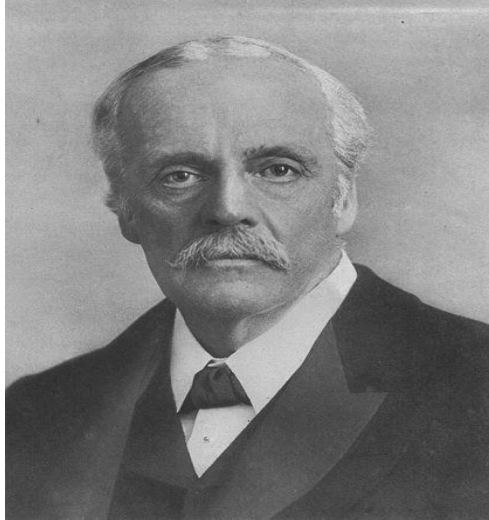


بسم الله الرحمن الرحيم

هفتادسال از تطبیق اعلامیه بالفور و ایجاد دولت یهود گذشت



Foreign Office,
November 2nd, 1917.

Dear Lord Rothschild,

I have much pleasure in conveying to you, on behalf of His Majesty's Government, the following declaration of sympathy with Jewish Zionist aspirations which has been submitted to, and approved by, the Cabinet

'His Majesty's Government view with favour the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people, and will use their best endeavours to facilitate the achievement of this object, it being clearly understood that nothing shall be done which may prejudice the civil and religious rights of existing non-Jewish communities in Palestine, or the rights and political status enjoyed by Jews in any other country'

I should be grateful if you would bring this declaration to the knowledge of the Zionist Federation.

(ترجمه)

2 نوامبر 2018م مصادف به صدویکمین سالروز اعلامیه بدنام بالفور می باشد. این اعلامیه طی هفتادسال به برپایی دولت یهود بر سرزمین مقدس، مراحل اولی تطبیق خود را گذرانده است. حال پرسش این است که آیا طبق خواسته و پلان غرب، مردم منطقه این دولت منفور را به رسمیت شناخته اند؟ و این که آینده این دولت شرور به چه سمت و سوی روان خواهد بود؟

پیش از این که به این پرسش ها پاسخی ارائه شود، باید یادآور شد: در خصوص برپایی دولت یهود در سرزمین مبارک فلسطین میان سیاسیون دولت های غربی و رهبران صهیونیستی ها و مناقشات زیاد صورت گرفت، دیدگاه های زیادی میان رهبران غربی و رهبران صهیونیستی رد و بدل شد، که ناشی از شک و تردیدهای بود که نسبت به تحقق این امر داشتند؛ از عکس العمل امت اسلامی در برابر این پروژه وحشت می نمودند و می ترسیدند که نشود احساسات دینی مسلمان ها تحریک شده، برای یهود فاجعه آور باشد که این مردم بار دیگر به سوی دولت های اروپایی و دیگر نقاط جهان رانده شوند. اما علی رغم خطرات بسیاری که در پیش روی بود، منافع مشترک رهبران غربی و رهبران صهیونیستی منجر به برپایی دولت یهود بر سرزمین مبارک فلسطین گردیده و انگلیس تطبیق این پروژه را عهده دار شد.

باوجود مخالفت ها و اعتراضات مداوم فلسطین به حمایت دولت های جهانی و خیانت دولت های منطقه، این رژیم تاسیس و شوکت یافت تا اینکه نزد دولت های منطقه به یک واقعیت پذیرفته شده تبدیل شد. در آن وقت بود که مردم منطقه این جسد غریبه را در محیط اسلامی نپذیرفته و برای بیرون راندن آن درگیری های بسیاری آغاز یافت، مخصوصاً اینکه سرزمین مقدس قدس غصب گردیده بود؛ چون این سرزمین رابطه ای عمیقی به عقیده مردم داشته، در احکام شریعت اسلامی ریشه دارد و مرتبط به تاریخ گذشته و

اصیل این امت شرافت‌مند می‌باشد. همان بود که امت برای آزادسازی این سرزمین از چنگال بردگان صلیبی در قرون وسطی سال‌های زیادی را مشغول جهاد بودند.

در زمان تطبیق این پروژه نیز اگر دسیسه‌ها و گمراه‌گری‌های دولت‌های منطقه مانع نمی‌شد، امت اسلامی بالفعل توان بیرون راندن این موریانه را از پیکر سرزمین اسلامی داشته و بسیار به راحتی می‌توانست که بساط این رژیم منفور را برچیند.

کفار غربی با همدستی صهیونیست‌ها و مزدروان‌شان از حکام منطقه برنامه‌ها و نقشه‌هایی را برای آینده این رژیم-برای اینکه منجر به یک رژیم پذیرفته شده و جزء از نظام‌های منطقه گردد- طرح نموده بودند، اما در ابتدا این نقشه‌ها از عام مردم پوشیده بود، هیچ یک از حکام سرزمین‌های اسلامی علی‌رغم اینکه در خفاء در حال دسیسه‌پردازی بودند، جرئت آشکارساختن آن نقشه‌ها را نداشتند تا اینکه جمال عبدالناصر که در آن زمان رهبر قومی عربی بود، در آغاز دهه پنجاه در سال 1953 م بساط معامله قرن را گستراند، اما با تظاهرات گسترده‌ای که از غزه راه افتاده بود، مواجه شد. درین تظاهرات ده‌ها مسلمان به دست فرزندان خود مان از اردوی مصر به شهادت رسید، اما این پروژه به شکست روبر و به تأخیر افتاد. در آن زمان تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا میان حکام اردن و رهبران یهودی یک وضع معین بر قرار شود، اما درگیری‌های سیاسی در میان نیروهای غربی در سرزمین مبارک فلسطین و حالت جوش و خروش مسلمانان اردن، باعث شد که حکام اردن به آشکار سازی روابط خود با یهود، جرئت نکنند.

وضعیت همان‌گونه میان جنگ و صلح باقی ماند و دولت یهود در طول این مدت هم‌چنان برپا بود، هیچ‌یک از حکام جرئت نکرد که حرف صلح یا مذاکره را با دولت یهود در میان آورد، مگر بعد از جنگ اکتوبر سال 1973 م و قیام انور سادات در سال 1977 م برای دیدار قدس و پس از امضاء معاهده کمپ دیوید در سال 1978 م که خیانت‌ها داشت، کم و بیش یکی پس از دیگری برملاء می‌شد. در آن زمان بود که سروصداهای مذاکرات و صلح با دولت یهود بلند شد.

اولین نقشه طرح شده به وسیله دولت‌های منطقه آشکار شد، چیزی بود که در نشست سال 1982 م در الجزائر (فاس) پس از جنگ یهود علیه لبنان درین سال، رونما گردیده و ملک‌فهد شاه عربستان سعودی شروع مذاکرات صلح با یهود را پذیرفت. سازمان آزادی‌بخش فلسطینی در سال 1983 م روابطش را با مصر که به دلیل معاهده کمپ دیوید قطع نموده بود، از سرگرفت. در سال 1985 م میان رهبران اردن و رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطینی برای سیر در مسیر مذاکرات با یهود و حل و فصل قضیه فلسطین به وسیله هیئت مشترک اردنی فلسطینی توافق‌نامه‌ای به امضاء رسید، اما اوضاع با پیامدهای بسیاری مواجه شده و این توافق ادامه نیافت. سازمان آزادی‌بخش فلسطینی در سال 1988 م در کنفرانس الجزائر پیشنهادات جورج شولتز وزیر خارجه امریکا و تصمیم 242 سازمان ملل را قبول و در برابر پرپای دولت فلسطین بر مرزهای 1967 م بیشترین قسمت از سرزمین مبارک فلسطین را واگذار شد و سپس رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطینی به مجلس سازمان ملل رفته و به سخنرانی مشهور خود در همان سال پرداخته و از منبر سازمان ملل اعلام کرد که صلح با یهود را بر اساس تصمیم 242 سازمان ملل و کنار گذاشتن تروریستی و خشونت، می‌پذیرد.

پس از این مرحله، امور یکی پس از دیگری بسیار به شکل سریع در حال اتفاق افتادن بود. در سال 1991 م کنفرانس صلح در مادرید برگزار شد، بحث‌های توافق‌نامه اسلو به میان آمده و در نتیجه در سال 1993 م این توافق‌نامه به امضاء رسید؛ توافق‌نامه‌ای

که خطرش از اعلامیه بالفور کمتر نبوده و پایانی برای آن بود؛ چون این توافق نامه منجر به حل و فصل قضیه سرزمین مبارک فلسطین شد. بعد از توافق نامه اسلو معاهدات صلح با دولت یهودی هم قرار گرفته و اوضاع به سمت به رسمیت شناخته شدن این رژیم سوق داده شد. در سال 1994م توافق "وادی عربیه" صورت گرفت، حکام دولت های عربی در سال 2002م برای به رسمیت شناختن دولت یهود نشست بیروت را تشکیل دادند و بعد از نشست "الظهران" و نشست استانبول در سال جاری 2018م که به صراحت از برپای رژیم فلسطینی در برابر رژیم یهودی در سرزمین غصب شده 1967م و فراموش شدن چیزی بنام فلسطین تاریخی و شرعی، سخن می گفت.

این دسیسه ها و خیانت ها در برابر سرزمین مبارک اقصی و اسراء بجای رسید که منجر به باز شدن سفارت خانه های دولت یهود با بعضی از نظام های حاکم در جهان اسلام شد؛ روابط تجاری با این رژیم برقرار شد؛ تبادلات امنیتی و معاهدات دفاع مشترک با این رژیم منعقد گشت و هم چنین رفت و آمدهای هیئت های فرهنگی، دید و باز دیدها و دادوستدها همراهی این رژیم در حال عادی شدن است. بگونه مثال: سفر اخیر نتنیا هو نخست وزیر دولت یهودیه "مسقط" و دیدارش با "سلطان قابوس"، هم چنین سفر میری ریغیف وزیر فرهنگ و ورزش دولت یهود در 29 اکتوبر 2018م به ابوظبی به سرکردگی هیئت ورزشی یهودی و نواخته شدن سرود ملی دولت یهود درین شهر و دیدار این وزیر از مسجد شیخ زاید بن سلطان در آن جا.

اما در اخیر نیز باید یاد آور شد: آنچه را که امروزه بنام صلح و سازش همراهی دولت یهود می نامند، جز گمان و خیال دورغین چیزی بیش نیست؛ زیرا این به اصطلاح صلح هیچ ریشه و اساسی در میان عام مردم منطقه و امت ندارد؛ حقیقتی که بسیاری از مقامات یهودی نیز به آن اعتراف نموده اند. نتنیا هو نخست وزیر دولت یهود چنین می گوید: «آنچه که از توسعه صلح در منطقه جلوگیری می نماید، در دشمنی ملت های عربی نسبت به اسرائیل نهفته است، نه در میان رهبران دولت های شان.» و در سخنرانی که در 22 نومبر 2017م در کنیست به مناسبت یاد بود چهلمین سالروز دیدار انور سادات از رژیم یهود، ایراد نمود، چنین افزود: «بزرگ ترین قله ای که در برابر توسعه صلح قرار دارد، به رهبران دولت های اطراف مان بر نمی گردد، بلکه به رأی عامی مرتبط است که در خیابان های سرزمین عربی حاکم بوده و اذهان را علیه دولت اسرائیل شستشوی می دهد و از اسرائیل یک چهره مخدوش و منفور در اذهان عامه ایجاد می کند.» و در ادامه نیز می افزاید: «حتی بدلیل فریبی که مردم خورده اند بعد از گذشت ده ها سال هم رهاسازی اسرائیل از این چهره و باز گرداندن حقیقت و چهره خوب و واقعی آن کار بسیار سختی می باشد.»

هر منطقه که یهود با حکام آن روابط برقرار نموده است، مردم این روابط را نپذیرفته و از عمل کرد حکام شان راضی نمی باشند؛ بلکه حتی یهودی ها در هیچ پایتختی جرئت این را ندارند که بدون اسم مستعار و یا محافظ گشت و گذار نمایند. موارد یاد شده نیز دلایل روشنی بر این می باشند که امت این صلح نام نهاد را قبول ندارد.

مسئله دیگری که سیاسیون یهودی، سیاسیون غربی و حکام سرزمین های اسلامی آن را به خوبی درک نموده اند، این است که دولت یهودیک پروژه استعماری موقت می باشد که در گروی بقای نظام های حاکم در جهان اسلام است. هرگاه که این نظام ها از بین بروند، این رژیم تحمیلی نیز از بین می رود و هیچ دولتی از دولت های جهان توان محافظت از آن را ندارد؛ چون این رژیم از هر طرف

توسط مسلمان‌ها محاصره می‌باشد و در سرزمینی جای خوش کرده است که با عقیدهٔ یک و نیم میلیارد رابطةٔ مستقیم دارد؛ امتی که بزودی از خواب‌اش بیدار خواهد شد.

نویسنده: احمد طیب

28 صفر 1440 هـ.ق

7 نومبر 2018 م